

نگرشی تحلیلی بر مبانی و الگوهای سفارتی در ایران عصر صفوی

عبدالله متولی^۱

علی زارعی^۲

چکیده

صفویان پس از تأسیس و تثبیت حکومت خود در قلمرو جغرافیایی ایران متناسب با رویکردهای سیاسی و مذهبی که داشتند لزوم ایجاد پیوندهایی را در مناطق پیرامونی و فرامنطقه‌ای احساس نمودند. آن‌ها به منظور ایجاد ارتباط با دوستان برون منطقه‌ای و همچنین رساندن پیام‌های سیاسی و نظامی خود در موقعیت‌های جنگ و صلح با سایر ممالک مأموریت‌های مختلفی را به کارگزاران حکومتی واگذار کردند. این عناصر تحت عناوین فرستاده، سفیر و یا ایلچی وظایف خود را در ممالک دیگر پی می‌گرفتند. آنان بایستی برای وصول به مقاصد مورد نظر و انجام مطلوب مأموریت‌های محوله حائز ویژگی‌ها و شرایط قابل توجه و خاصی می‌بودند. مبتنی بر مقصد مورد نظر و نوع مأموریت محول شده، ویژگی‌های شخصیتی و جلوه‌های ظاهری فرستاده، بایستی به خوبی مورد رصد و ارزیابی قرار می‌گرفت. تنوع و فراوانی فرستادگانی که در دوره سلطنت طولانی صفویه به نقاط مختلف اعزام می‌شدند، بررسی چارچوب‌های مختلف شکلی و محتوایی هیأت سفارتی را ضروری می‌سازد. نوشته پیش‌رو ضمن ارائه آماری نسبی از فرستادگان دوره صفوی، در صدد است مهمترین نکاتی را که در انتخاب و اعزام فرستادگان این دوره مورد تأکید و توجه بوده است، در معرض بررسی قرار دهد. بنابراین، سؤال عمده نوشتار حاضر عبارت خواهد بود از این که فرستادگان و سفرای دوره صفویه می‌بایست حائز چه ویژگی‌هایی بوده و در مأموریت خود از چه الگوهای تبعیت کنند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به رغم آن که در این دوره هنوز ساختارهای تشکیلاتی برای مناسبات سیاسی پایه‌گذاری نشده بود؛ اما فرستادگان و سفرا متناسب با نوع مأموریت می‌بایست حائز ویژگی‌های شخصیتی خاصی باشند و در عین حال در فرآیند انجام مأموریت از اصول و مبانی تعیین شده تبعیت نمایند. گو این که در طول انجام مأموریت نیز با چالش‌ها و موانع متعددی می‌بایست دست و پنجه نرم کنند.

واژه‌های کلیدی: سفیر، ایران، صفویه، عثمانی، ازبک، هند.

a.motevaly@gmail.com

ali.zareei@chmail.ir

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری تاریخ پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی

Analytical study on the ambassadorial principles and plans in Safavid era

A. Motevaly¹

A. Zareei²

Abstract

Safavids, according to their political and religious approaches, found out that it is necessary to have relation with the regional and extra-regional countries after establishment and consolidation of the government. They assigned different missions to their governmental agents in order to make connection with the extra-regional friends and to convey their political and military messages under war and peace. The agents continued to do their duties in the other countries in the figures of envoy, ambassador or Ilchi. They should have particular and considerable specifications to achieve their purposes and to do the assigned missions, favorably. The agent's characteristic and his outward appearance should be properly evaluated according to the destination and the mission type. The various conformation framework of diplomatic body should be pondered because of the variety and abundance of the envoys dispatched to different parts of the world in the long kingdom age of Safavids. The present paper attempts to assess the important factors that have been considered in selecting and dispatching the envoys. Moreover, comparative statistics are presented about the envoys of Safavids. Herein, the main question is concerned with the feature of envoys or ambassadors and the plan of their mission. Although the organizational structures were not constructed for the political relations in this era, the findings demonstrate that the envoys should have specific characteristics corresponding to their mission; moreover, they should observe the determined principles in the process of accomplishing the mission. It seems that they confronted to many difficulties in this matter.

Keywords: envoy, ambassador, Iran, Safavid, Ottoman, Ozbek, India.

1 . Associate professor of History in Arak University

a.motevaly@gmail.com

2 . PhD student of History in the Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution
ali.zareei@chmail.ir

۱. مقدمه

دوره‌ی صفویه در سیر تاریخی ایران حائز جایگاه خاصی است. از منظر جغرافیای سیاسی حکومت صفویه را بایستی اولین حکومتی تلقی نمود که در سال‌های متمادی تاریخ ایران بعد اسلام توانست یک جغرافیای منسجم سیاسی را برای قلمرو ایران باز تعریف نماید و از این منظر به بازسازی هویت سیاسی و جغرافیایی ایران کمک کند. از طرف دیگر، با ایجاد یک هویت جدید مذهبی توانست وجه تشخیصی مابین دو حکومت سنی مذهب ازبکان در شرق و عثمانی‌ها در غرب ایجاد کند.

هم‌چنین از لحاظ گستره‌ی زمانی نیز بایستی اذعان نمود که صفویه با بیش از دویست سال تداوم سیاسی توانست ایده‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود را در جامعه‌ی ایران نهادینه کند. هر چند تحولات ناخوشایندی در زمان سقوط این سلسله برای ایران رقم خورد؛ اما بخشی از میراث‌های عمده‌ای که آن‌ها پدید آورده بودند با تغییرات اندکی در جامعه پایدار و برقرار باقی ماندند.

به موازات اهمیت داخلی شکل‌گیری قدرت صفویه در ایران، از ابعاد منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذاری آن‌ها نبایستی غافل بود. موقعیت زمانی شکل‌گیری قدرت صفویان و میزان نقش‌پذیری و حوزه‌ی بازیگریشان در عرصه‌های برون مرزی نشان از جایگاه ویژه‌ی آن‌ها داشت. در محدوده‌ی منطقه‌ای مناسبات، برخوردها و تقابل‌های دامنه‌دار صفویان با عثمانی‌ها در غرب و ازبکان و مغولان هند در شرق حاکی از بازیگری فعال در این عرصه‌ها بود. تعارض ایدئولوژیک با این حکومت‌ها و گرفتار بودن در مسائل مرزی، نشان می‌داد که صفویان در این عرصه بایستی به طور دائم درگیر رفع و رجوع مسائل مبتلابه باشند به گونه‌ای که این شرایط یک الگوی دائم از تقابل و یا تعامل را مبتنی بر شرایط پیش‌آمده بر صفویان تحمیل می‌نمود. هر چند در مواردی نیز خود صفویان در برخی مقاطع به جای مواضع واکنشی بیشتر در نقش کنشگران جدی وارد عرصه می‌شدند. با این توصیف بایستی اذعان نمود که دائمی بودن دغدغه تقابل و یا تعامل با عناصر پیش‌گفته بخشی از ماهیت فکری و اجرایی شاهان صفویه را در تمامی دوره‌های سلطنتی آن‌ها رقم زد.

اما در کنار حوزه‌های جغرافیایی نزدیک، بایستی با توجه به شرایط جدیدی که در دنیا در

حال شکل‌گیری بود افق‌های جغرافیایی دورتر را نیز در عرصه تحولات این دوره در نظر گرفت. پیشرفت سریع اروپاییان در عرصه‌های مختلف از یک سو و جدال نفس‌گیر آن‌ها با امپراتوری مقتدر و مسلمان عثمانی از سوی دیگر عامل بسیار مهمی بود که باعث ایجاد پیوندهایی از نوع سیاسی و اقتصادی بین صفویان و اروپا گردید هر چند در این زمینه بایستی نقش کنشگری را بیشتر برای اروپاییان لحاظ نمود؛ اما صفویان نیز نسبت به موضوع بی‌تفاوت نبوده و به منظور ایفای نقش و کسب منافع قدم‌هایی را برداشتند. آن چه که آمد مدخلی برای ورود به این مسأله بود که پدیداری مجموعه‌ای از شرایط درهم‌آمیخته و نسبتاً پیچیده در آن زمان، عامل بسیار مؤثری برای رشد مناسبات منطقه‌ای و برون منطقه‌ای و پیدایش انگیزه‌های قوی برای حکومت‌های وقت به منظور بهره‌گیری بیشتر از عرصه‌های دیپلماتیک بود. گو این که در روزگاران مورد بحث هنوز الگوها و مدل‌های برقراری مناسبات و شیوه‌های تعاملات بین‌المللی نسبت به امروز فاصله‌ی بسیار جدی داشت و چشم انداز نظری و جلوه‌های واقعی عملیاتی در این عرصه فاقد انسجام و تعریف دقیق و درستی بود؛ اما به رغم دور بودن حکومت‌ها از چارچوب‌های نظری در عرصه عینی رفتارها و اقداماتی که صورت می‌گرفت به خوبی نشان می‌داد در ورای تعریف قراردادی امروزی که برای مفهوم‌سازی مناسبات بین‌المللی صورت می‌گیرد، گونه‌ای از برنامه‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری و عملیاتی بر نوع مناسبات سایه افکنده است و به تناسب شرایط پیش آمده و متکی بر ساختار سیاسی و شرایط درونی هر جامعه‌ای در این عرصه نیز تصمیم‌سازی و جلوه‌های عملیاتی به خود می‌گیرد. به همین لحاظ، می‌توان ادعا نمود دوره‌ی صفویه در عرصه‌ی مناسباتی دارای تحرک و پویایی قابل توجهی بوده است و به نوعی به اهمیت عرصه‌های سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آگاهی نسبی داشته است. دلیل اذعان به این موضوع از میزان رفت و آمد سفرا و فرستادگان مختلف و همچنین از حجم بالای مکاتبات بر جای مانده از این دوره ناشی می‌شود. آنچه که داده‌های منابع آن دوره به ما می‌دهند حاکی از این نکته است که اعزام سفیر و یا پذیرایی از فرستادگان دیگر کشورها به عنوان یک الگوی مبتنی بر قاعده در این ایام جاری و ساری بوده است. هر چند شکل‌گیری نهادی موسوم به وزارت خارجه و در تبع آن سفارتخانه معطوف به روزگاران متأخر می‌باشد؛ اما دقت در منابع تاریخی نشان می‌دهد که صفویان در این زمینه از یک سازوکار اجرایی و

نسبتاً مشخص تبعیت می‌کردند. گو این که تمامی عرصه‌های تصمیم‌گیری و اجرائی در نهایت به رویکرد شخص شاه باز می‌گشت؛ اما همان روند نیز خود مبتنی بر یک چارچوب خاص جنبه اجرایی می‌یافت و بعضاً تصمیمات، برخاسته از یک نگاه مشورتی بود. این شیوه به شکل ویژه، در مواقعی که قدرت شاه در معرض نقصان و یا دچار ضعف می‌شد بیشتر خود را بروز می‌داد.

نوشتار حاضر با تکیه بر اهمیت همین رفت و آمدها و میزان توجه صفویان به موضوع سفارت در پی آن بر آمده است تا با استفاده از داده‌های منابع موجود، ضمن توصیف ابعاد مختلف امور سفارتی در دوره صفویه و تبیین الگوها و چارچوب‌های مورد نظر در اعزام سفرها به مناطق مختلف، چشم‌انداز کمی نیز از تعداد فرستادگان را ارائه نماید.

۲. نگرشی کوتاه بر پیشینه‌ی تاریخی

برقراری ارتباط بین جوامع انسانی یک امر مرسوم و با سابقه‌ای به درازای شکل‌گیری جوامع بشری است. نیازهای متنوع انسانی علی‌الخصوص در عرصه‌های تجاری و اقتصادی نقش به‌سزایی در رویکرد انسان‌ها به موضوع ارتباطات داشته است. این مسأله در گذر زمان و با گسترش گروه‌های جمعیتی از تنوع و در عین حال سرعت بیشتری برخوردار گردید. تمایلات انسان‌ها به تأثیرگذاری بر سایرین ضمن پیچیده نمودن نوع مناسبات، گستره و دامنه‌ی آن را نیز افزون ساخت. این تمایلات به مرور زمان جای خود را به خواسته‌های استیلاجویانه و برتری‌طلبانه داد و باعث شد تا عرصه ارتباطات به شکل‌های خشونت‌بار نیز بروز و تجلی یابد. با این حال تمامی جلوه‌های پیوندها، متکی بر روش‌های خشونت‌بار نبود. عوامل عاطفی، نگرش‌های دینی، مسائل انسانی و نیازهای اقتصادی همچنان به عنوان چارچوب‌های مهم برای ایجاد رفت و آمد بین جوامع جایگاه خود را افزون می‌ساخت. با نظام‌مند شدن جوامع انسانی و شکل‌گیری چارچوب‌های سیاسی، زمینه‌های شکل‌گیری ارتباطات مبتنی بر اعزام فرستادگان و سفرها نیز پدید آمد. این سفرها با وظایف و اهداف گوناگون تقریباً در شرایط جنگ و صلح بین طرفین در حال رفت و آمد بودند.

در سیر کلی چارچوب‌های سیاسی در قلمرو ایران نیز به عنوان یکی از کهن‌ترین جوامع انسانی، مسائل مربوط به امور عرفی دیپلماتیک به عنوان یک اصل مورد توجه حکومت‌های

برقرار و صاحب تشکیلات به چشم می‌خورد. در گذر ایام به سوی دوران ایران اسلامی نیز رسولان و قاصدان در کار نقل و انتقال فرامین و پیام‌های کتبی و شفاهی نقش قابل توجهی را در اجرای سیاست‌های حکومت‌های متبوع خود داشته‌اند. در این زمینه در تاریخ بیهقی رسول‌دارانی دیده می‌شود که مهمان‌داران سفیران بودند و رسل‌خانه‌ها که در آن‌ها از سفیران پذیرایی می‌شد و مرتبه‌داران که مأموران تشریفات بودند. در کتاب‌های قدیمی درباره آیین کشورداری فصل‌هایی درباره فرستادن سفیران و پذیرفتن آن‌ها از جمله فصل بیست و یکم سیاست‌نامه نظام الملک وجود دارد (ریاحی، ۱۳۶۸: ۱۰). با غلبه عناصر ترک و علی‌الخصوص پس از غالب شدن مغولان بر فضای سیاسی ایران اصطلاح «ایلچی» به جای فرستاده و رسول همان کارکردها و وظایف پیشین را بر عهده گرفت (فضل‌الله همدانی، ۱۳۵۸: ۳۵۶). در کتاب دستورالکاتب مربوط به قرن هشتم نیز از وضعیت ایلچیان که در خانه‌های مردم فرود می‌آیند گله کرده و پیشنهاد می‌کند که در بیرون شهر رسل‌خانه‌هایی برای ایلچیان فراهم شود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۹۴). با غالب شدن شاهان صفوی بر جغرافیای ایران، ضمن تداوم همان مناسبات پیشین، گستره مبادلات دیپلماتیک از سرعت و وسعت بیشتری برخوردار گردید. هر چند شاردن در مورد کاربرد اصطلاح فرستاده تعبیر خاص خود را ارائه می‌دهد و این اعتقاد را مطرح می‌کند که در مشرق زمین به طور کلی به هر فرستاده‌ای که از سوی یکی از شاهان ممالک خارجی به کشورشان می‌آمد بدون توجه به نوع مأموریت و عنوانشان آن‌ها را سفیر می‌نامیدند (شاردن، ۱۳۷۲: ۵۹۴/۲ - ۵۹۳). اما به نظر می‌رسد اصطلاحات «ایلچی» و «رسول» و «فرستاده» نیز همچنان در ادبیات سیاسی این زمان کاربرد داشته است (نویسی، ۱۳۵۰: ۲۰۶).

۳. عناصر اجرایی در عرصه مناسبات خارجی

به رغم آن که نهاد خاصی در این دوره وظیفه امور اجرایی مربوط به مناسبات خارجی را بر عهده نداشت، با این حال با توجه به عناصری که در این عرصه دخیل بوده و کارهای مربوط به سفرا را تنظیم می‌نمودند، می‌توان یک سازمان محدود و کوچک را در حلقه دیوانسالاری عصر صفویه در زمره‌ی ابواب جمعی مناسبات خارجی لحاظ نمود. در رأس این نهاد، شخص شاه را بایستی در نظر گرفت که مرجع اصلی تصمیم‌سازی و در عین حال امور

اجرائی تلقی می‌شد. پس از شاه، مقام اعتمادالدوله بود که نظارت بر حسن اجرای امور مربوطه را بر عهده داشت. تذکره‌الملوک وزارت اعظم و اعتمادالدوله را «عمده ترین ارکان دولت» معرفی می‌کند و در خصوص حوزه اختیارات او توضیحات قابل توجهی را ارائه می‌کند؛ اما در خصوص میزان اختیارات وی در تنظیم مناسبات خارجی اشاره مستقیمی ندارد (میرزا سمیعاً، ۱۳۶۸: ۵). با این حال، نظر به گستردگی حوزه اختیاراتی که در امور داخلی برای وی قائل شده است، بایستی تنظیم مناسبات خارجی را نیز به نوعی در حلقه اختیارات او لحاظ نمود.

میهمانداری‌بازی از دیگر عوامل اجرایی محسوب می‌شد. او امور مربوط به پذیرایی از سفرا را بر عهده داشت. میهمانداربازی که میهمانداران دیگر در خدمت او بودند از مقامات بزرگ دربار صفوی بود و همیشه این مقام به یکی از ندیمان و نزدیکان شاه سپرده می‌شد. صاحب این مقام پیوسته در سفر و حضر همراه شاه بود (فلسفی، ۱۳۴۶: ۴/۵۵). اما ایشیک آقاسی را می‌توان محور تشریفات در مناسبات خارجه عصر صفوی دانست. وی مسئول برقراری نظم و ترتیب در مجالس درباری بود و برگزاری باشکوه و بدون خدشه پذیرایی‌ها را برعهده داشت. او شخصاً میهمانان مدعو را به جاهای مخصوص خودشان هدایت می‌کرد، سفرایی را که توسط میهمانداربازی به داخل هدایت شده‌اند در حالی که او زیر بازویشان را گرفته پیش تخت شاه می‌برد تا در آنجا عرض ادب و احترام کنند. همچنین هرگاه شاه سفیران را فرامی‌خواند و آن‌ها را به صرف غذا در مجلس رسمی دعوت می‌کرد ایشیک آقاسی آن‌ها را به جای خود راهنمایی می‌کرد (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۰۰).

حساس‌ترین منصبی که بخشی از وظایف مناسبات خارجی را بر عهده داشت، شغل مجلس‌نویس یا واقعه‌نویس بود که تذکره‌الملوک به صورت مستقیم از این منصب به عنوان «مقرب الخاقان» یاد کرده و می‌نویسد: «تفصیل شغل واقعه‌نویس آن است که جواب نامه‌هایی که از پادشاهان به پادشاه ایران نوشته شود واقعه‌نویس انشاء می‌نماید» (میرزا سمیعاً، ۱۳۶۸: ۱۵). وی موظف بود که از چند و چون مناسبات کشور با دولت‌های خارجی و معاهدات دوجانبه آگاه باشد (کمپفر، ۱۳۶۷: ۹۸). بنابراین سفیران دولت‌های خارجی همواره با مجلس‌نویس دیدار داشتند و اسناد مربوطه را برای بایگانی به او می‌دادند. همچنین او

تاریخ ورود، هدف از دیدار، ماهیت درخواست آن‌ها و تصمیمات و پاسخ‌هایی را که به آن‌ها داده می‌شد، ثبت می‌کرد. او نامه‌های سفرا را در حضور شورای سلطنتی به صورت علنی می‌خواند و به طور معمول در جلسه مذاکرات صدر اعظم با سفیر حاضر می‌شد (فلور، ۱۳۸۴: ۹۲).

۴. الگوهای اجرایی در خصوص فرستادگان ایرانی

۴-۱. سازمان‌بندی سفارت (سفیر و ملتزمین)

گزارش منابع درباره‌ی ریز اعضای سفارتی اطلاعات جزئی و دقیقی را ارائه نمی‌دهند. تنها از خلال برخی داده‌های پراکنده می‌توان به ترکیب تعدادی از هیأت‌های سفارتی دست یافت. آن چه در وهله اول مهم به نظر می‌رسید این که شخص اصلی یا سفیر می‌بایست به خوبی انتخاب شده و در رأس هیأت قرار می‌گرفت. همراهان سفیر متناسب با نوع مأموریت و کشور مورد نظر ممکن بود متفاوت باشند. اما سفیر معمولاً از بین بلند رتبه‌گان درباری و دیوانی انتخاب می‌شد و در مکتوب ارسالی مقام و منزلت وی مورد تأکید قرار می‌گرفت. شاه عباس در معرفی فرستاده خود به نزد جلال‌الدین اکبر می‌نویسد: «امارت پناه حکومت و رفعت دستگاه یادگار سلطان روملو را که به مزید عقل و کیاست سمت اتصاف دارد و در مراتب درایت و سخندانی قصب السبق از همگان ربوده... و به وسایل خدمات شایسته از بقیه بندگان و مقربان به مرتبه امتیاز و رجحان ممتاز گردیده روانه آن صوب صوابنما گردانید» (نوایی، ۱۳۶۶: ۳/۳۴۲). اگر رساندن پیام‌های مذهبی در برنامه‌های سفارت هدف اصلی را در نظر داشت بعضاً هم سفیر و هم تعدادی از همراهان او را چهره‌های موجه دینی تشکیل می‌دادند. چنان که شاه عباس برای گفتگوهای صلح با عثمانی‌ها قاضی خان صدر را در رأس گروهی از عناصر مذهبی روانه آن دیار نمود (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۲/۱۴۰۰). البته در موارد متعددی نیز عناصر تجارت پیشه نیز به منظور پیشبرد اهداف اقتصادی در قالب هیأت سفارتی قرار می‌گرفتند. اما ظاهراً در زمره ارکان ثابت هر سفارتی بایستی به حضور یک گزارشگر اشاره داشت که تحت نظر سفیر، اطلاعات مورد نظر را ثبت و یا اطلاعات خواسته شده را به دستور سفیر تنظیم و برای دربار می‌فرستاد (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۶۷). احتمالاً در برخی از هیأت‌های سفارتی بایستی به حضور طبیب نیز به عنوان یکی از

ارکان اصلی سفارت توجه نمود (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۴۰۰/۲). در کنار ارکان اصلی سفارت بایستی حتماً به افرادی اشاره داشت که امور خدماتی و رفاهی هیأت را عهده‌دار بودند.

مسأله‌ی حائز توجه دیگر در این خصوص، تعداد اعضای سفارت بود. به نظر می‌رسد در این قسمت نیز متناسب با نوع مأموریت سفیر، ممکن بود خود به تنهایی این کار را به عهده داشته باشد. اما چنانچه مأموریت جنبه‌های مهم‌تری داشت و یا این که سفیر می‌بایست مسافت طولانی را طی نماید، تعداد همراهان بیشتر می‌شدند. اعداد و ارقام متعددی درباره گروه‌های اعزامی مورد اشاره منابع قرار گرفته است. به عنوان نمونه، به اعزام سیصد نفر در سال ۹۷۳ توسط شاه تهماسب به عثمانی سخن رفته است (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۲۶). یا در جای دیگری به اعزام یک هیأت دوهزار نفری به هند در دوره شاه عباس دوم اشاره شده است (حسینی تفرشی، ۱۳۸۸: ۸۱).

۲-۴. جلوه‌ی ظاهری سفیر

به نظر می‌رسد شمایل ظاهری سفیر نیز در نوع خود مورد توجه بوده است. هر چند اطلاعات موجود در منابع این دوره برای درک دقیق این مسأله کفایت نمی‌کند؛ با این حال، اشارات اندکی که به چشم می‌خورد مبین این نکته است که هیبت و جلوه ظاهری فرستادگان نیز به عنوان یک اصل مورد تأکید قرار داشته است. به لحاظ آن که این چشم‌انداز اولین نمود و نمایش از سفیر به حساب می‌آمد که می‌توانست طرف مقابل را در همان برخورد آغازین تحت تأثیر قرار داده و برخی ارزیابی‌های اولیه را در نگاه طرف مقابل برانگیزد. از آن جمله است زمانی که شاه تهماسب در هنگامه رویارویی با عبیدخان ازبک به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر ازبکان فرستاده‌ای را روانه نمود که: «هیکل و هیبتی عجیب داشت و در بلندی قد و ضخامت بدن و ستبری گردن نظیر نداشت» (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۲۰۶/۱). علاوه بر هیبت ظاهری فرستاده، نوع پوشش او هم می‌توانست حائز اهمیت جدی باشد. این نکته مهم را به خوبی می‌توان از نوشته میر خواند دریافت، آنجا که آورده است: «فرستاده هر ملکی باید لباس مخصوص بلد خود را بپوشد تا همه او را ببینند که کیست و هیچ پنهان ندارد و نترسد تا دلالت بر ثبات و صلابت ملت و دولت کند حال آن که اگر

اهالی آن ولایت اصرار کردند که لباس خود را تغییر دهد نباید قبول کند» (۱۳۸۰: ۶۸۳۸/۱۲). اسکندر بیک نیز به این نکته تأکید می‌کند که: «رسم قدیم است که ایلچیان طبقات سلاطین عصر به هر ولایت روند ملبس به لباسی که عادت و عرف مألوفه خود است بوده در کل به شکل خود سلوک نمایند و در هیچ عصر و زمان پادشاهان جهان ایلچیان را به تغییر عرف و عادت تکلیف نکرده‌اند» (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۴۲۳/۲).

هر چند منابع اشاره مستقیمی به نوع پوشش سفیر و فرستاده ندارند؛ اما به نظر می‌رسد نوع پوشش سفیر متناسب با آداب و سنت‌های کشور خود حائز اهمیت بود. از طرف دیگر این پوشش می‌بایست فاخر و ارزشمند باشد تا مورد تمسخر قرار نگرفته و شوکت و شأن مملکت خود را حفظ نماید. به نظر می‌رسد در کنار هیبت ظاهری و نوع پوشش در مواردی نیز ادوات و لوازم فرستاده نیز می‌توانست نقش تأثیرگذاری در طرف مقابل ایفا کند. این ابزار و ادوات علی‌الخصوص در مواقع جنگ بسیار حائز اهمیت بود. چنان که فرستاده شاه اسماعیل اول نزد آقا رستم یاغی، به درخواست خود او این گونه بود: «می‌خواهم مادیان منصور بیگ در این سفر همراه من شود و یک دست اسلحه مرصع از موزه تا خود فولاد جواهر دار تمام کوک‌های مرصع در آن قرار داده شود و زره سلطان حیدر با شمشیر حسن پادشاه که از سلطان ابوسعید به او رسیده بود و کمان یعقوب پادشاه که صاحب قران داده بود و نیزه فولاد علاء الدوله ذوالقدر که سلطان قانی‌سا پادشاه مصر از برای او فرستاده بود» (عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۳۲۳).

۳-۴. موقعیت اجتماعی و سیاسی فرستادگان

سفیرانی بودند که از جانب پادشاهان صفوی برای اهداف مورد نظر سفارت به کشورهای خارجی می‌رفتند. برخی از آن‌ها در زمان جنگ به جهت برقراری صلح و برخی برای اهداف سیاسی، تجاری و... در زمان صلح بین دو کشور اعزام می‌شدند. سفیرانی که به منظور اهداف سیاسی از جمله اتحاد با کشورها، تأمین منافع سیاسی هر دو کشور، اتحاد علیه کشور دیگر، تأیید سیاسی حکومت‌های دو کشور به سفارت می‌رفتند، چنانچه در کار سفارت خود موفق می‌شدند دسترسی به اهداف دیگر هم دور از انتظار نبود. در کنار این هدف سیاسی، چه بسا سفیر سیاسی می‌توانست موفق به دریافت امتیازات دیگر هم شود. با این وصف، به



نظر می‌رسد برخی از سفیران به دلیل اهداف تجاری، مذهبی، نظامی، فرهنگی علاوه بر حوزه سیاسی، به سفارت می‌رفتند. شخصی که برای رسیدن به اهداف سفارت تعیین می‌شد دارای شرایط و ویژگی‌هایی بود. شاهان صفوی افراد عامی و بدون موقعیت و منصب عالی را به سفارت نمی‌فرستادند. البته در برخی مواقع حس رقابتی که بین حاکمان دو کشور وجود داشت سفرا را با شکوه و جلال بالاتر از سفیر اعزامی به کشور خود می‌فرستادند تا شکوه و جلال فرمانروایی‌شان را به رخ بکشانند. در اکثر مواقع منابع به سمت‌های قبلی و فعلی سفرا اعزامی نیز اشاره می‌کردند تا به نوعی موقعیت سیاسی و اجتماعی عالی آن‌ها را به رخ بکشند (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۴۵۵). در خصوص اعزام سفیر به عثمانی توسط شاه عباس اول آمده است: «...مهدیقلی خان چوشلو ولد سمیون سلطان را که در آن وقت حاکم دارالارشاد اردبیل بود و به مزید عقل و دانش و نور فهم و کیاست و کاردانی و مکنّت و حشمت از سایر امرا امتیازی داشت به رسالت تعیین نمود» (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۶۳۸/۲).

در سال ۱۰۲۶ هجری همچنین شاه عباس اول، میرزا محمد حسین ابهری را که از وزرا و معتمدان و ارباب قلم بود به رسالت نزد خلیل پاشا فرستاد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۱۳). در زمان شاه عباس دوم دلینجی بیگ فرزند قزاق خان بیگلر بیگی سابق استرآباد و میرزا مقیم کتابدار خاصه شریفه به ترکستان به رسم سفارت رفت (همان: ۹۸، ۲۴۱).

در مواقعی که نیاز به صلح بود دربار صفوی با توجه به کشوری که سفیر به مأموریت آن جا می‌رفت همانند کشور عثمانی که سنی مذهب بود برای تحقق هدف سفارت از چهره‌های مذهبی استفاده می‌کرد تا در مباحث کلامی نیز سفیر بتواند از اصول اعتقادی صفویان دفاع نماید فرستادن مقام صدر توسط شاه عباس یعنی قاضی خان صدر جهان به دربار سلطان احمد از آن جمله است (نوایی، ۱۳۶۶: ۸۷/۳).

۴-۴. نبوغ، ذکاوت و آشنایی با آداب سفارت

ارزش‌های ذاتی سفیر، جذبه فطری و آداب‌دانی او از اولویت‌های اصلی برای انتخاب آن‌ها جهت مأموریت‌های مهم بود. اکثر منابعی که در خصوص اعزام سفرا صحبت کرده‌اند، این ویژگی‌ها را به عنوان یک معیار اساسی جهت انتخاب سفیر در نظر گرفته‌اند؛ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«به جهت فرستادن ایلچی به نزد شاه جهان و تهنیت جلوس او رأی بر این گرفت که کسی که فراست، کیاست، و دریافت و مزاج ذاتی دلپسند، مخلص خیراندیش، بنده قدیمی حلال نمک، راست گفتار، محمد علی بیک صفهانی گرک یراق چون نهایت کاردانی اثبات شده بود به سفارت تعیین شد» (حسینی تفرشی، ۱۳۸۸: ۸۲). «در زمان سلطان محمد به سال ۹۸۹ ابراهیم سلطان ترکمان که در عقل و دانش و تدبیر از همه ممتاز بود به سمت خانی سرافراز و به جانب روم روانه شد» (الحسینی القی، ۱۳۶۳: ۷۱۷/۲). «شاه صفی یکی از طرزندان رسوم سفارت را به ایلچی‌گری روم تعیین نمودند و مقصود سلطان را که بالانشین صوفیان و آداب‌دان سفارت بود تعیین نمودند» (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۹۹). «شاه عباس دوم یکی از آشنایان به آداب سفارت یعنی شاه قلی بیک ولد مقصود بیک را به نزد والی هندوستان فرستاد» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۹۸). «شاه قلی بیگ که دارای سحر بیان بود از طرف شاه عباس دوم به نزد سلطان خرم فرمانروای هندوستان اعزام شد» (شاملو، ۱۳۷۱: ۳۱۳).

۴-۵. ابزار شناسایی (احکام و نمادها)

به نظر می‌رسد سفرای اعزامی بایستی دارای معرفی‌نامه‌ی خاص باشند. نویسندگان این دوره به مختصات و ویژگی‌های شناسایی سفرای اعزامی اشاره‌ای ندارند؛ با این حال موارد اندکی در برخی منابع وجود دارد که نشان می‌دهد سفرای اعزامی به دربار مناطق اعزامی معرفی می‌شدند. آن‌گونه که شاه عباس در نوشته خود به سران اروپا به صورت مستقیم آنتونی شرلی را به عنوان سفیر خود این‌گونه معرفی کرده است: «شما ای سلاطین که کیش مسیحی دارید بدانید که واسطه دوستی ما و شما این مرد بوده است... پس چون این مرد نزد شما رسد باید او را نماینده شخصی ما بدانید» (نوابی، ۱۳۷۰: ۲۱۵/۱). علاوه بر این در برخی نامه‌های برجای مانده از این دوره اکثراً در انتهای نامه‌های ارسالی عنوان و ویژگی‌های سفیر مورد تأکید قرار می‌گرفت (ر. ک: نوابی، ۱۳۶۶: ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۵۹؛ ۱۳۴۷: ۵۶). همچنین در گزارشی که از سفارت محمدرضا بیک ارائه شده است تأکید می‌کند که صحت استوارنامه‌ی او به شدت مورد تردید قرار گرفت (هربرت، ۱۳۶۳: ۱۱۵). این تأکید گواه بر این است که فرستادگان بایستی مکتوبی برای معرفی اصالت سفارت خود ارائه

نمایند. علاوه بر این، اشاره کوتاهی نیز به برخی نمادهای همراه سفیر شده است او می‌بایست شمشیر و کمر بند مخصوص ببندد طبل و علم به همراه داشته باشد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۵۵). شاه عباس نیز هنگام اعزام آنتونی شرلی، مهر طلایی خود را به او داد تا بر اعتبار جایگاه وی بیفزاید (نوابی، ۱۳۷۰: ۲۱۶/۱).

۴-۶. اهداف سفارت

فرستادگان و سفرا با اهداف و مقاصد متنوع و متعددی راهی ممالک دیگر می‌شدند. به تناسب نوع مناسبات طرفین اهداف سفارت نیز متغیر بود. اما در یک ارزیابی کلی می‌توان عمده اهداف این سفارت‌ها را در چند قالب دسته‌بندی نمود. بخش عمده و اصلی، معطوف به اهداف سیاسی بود. یعنی دستیابی به برخی مقاصد سیاسی دولت متبوع در رأس اهداف پیش‌رو برای اجرای برنامه‌ی سفارتی بود. در اجرای برنامه‌های سیاسی ایجاد اتحاد و هم‌پیمانی احتمالی یکی از مباحث قابل توجه بود (سفرنامه شرلی، ۱۳۵۷: ۹۸). جلب نظر کشور مورد نظر برای دستیابی به یک همراهی سیاسی در برابر رقبا و دشمنان احتمالی بخشی از اهداف سفارت‌ها را تشکیل می‌داد. از آن جمله می‌توان به اعزام یادگار سلطان روملو توسط شاه عباس به دربار هند را یادآور شد که به منظور ایجاد اتحاد علیه ازبکان صورت گرفت (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۶۷۱/۲). تیریک جلوس شاهان و حکام جدید در رأس بسیاری از اهداف و برنامه‌های سفرا بود. این روش که بعضاً با حکومت‌های مهم و صاحب اثر انجام می‌شد ضمن آن که نشانی از به رسمیت شناختن جایگاه و موقعیت حاکم جدید بود (حسینی تفرشی، ۱۳۸۸: ۸۱)، تلاشی برای جلب دوستی و یا برطرف کردن خطرهای احتمالی در آینده نیز محسوب می‌شد. بنابراین اعزام فرستاده برای تیریک جلوس و یا تعزیت درگذشت حاکم قبلی در عرف دیپلماتیک آن زمان امری شناخته شده و مرسوم بود (حسینی قمی، ۱۳۶۳: ۵۴۵/۱) که در صورت اجرا نشدن آن از سوی طرفین نشانه‌ای از رفتارهای خصمانه تلقی می‌شد و یا این که بالعکس اجرای آن به عنوان یک معیار و مبنا مورد تأکید برای ابراز علائق مشترک و دوستانه به حساب می‌آمد. کما این که در مکاتبات این دوره بعضاً با اشاره به مأموریت این گونه سفرا آن را نمایشی از تعلقات دوستانه به حساب آورده‌اند (نوابی، ۱۳۵۰: ۴۸۱). وجه دیگری نیز در خصوص این گونه سفارت‌ها به چشم

می‌خورد که بیشتر معطوف به رساندن پیام‌های شفاهی یا مکتوبات و نامه‌های دوستانه بود تا به نوعی باب ارتباطات را باز نگه داشته و به حفظ وضع موجود کمک نماید (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۲/۹۴۵، نوایی، ۱۳۴۷: ۵۱). در موارد معدودی نیز اجرای برنامه میانجیگری نیز در زمره‌ی اهداف سیاسی سفارت‌ها قرار می‌گرفت. بروز برخی اختلافات داخلی در کشورهای طرف مقابل و پناهنده شدن عناصر حکومتی ناراضی به صفویان و یا ارسال درخواست شفاهی در این زمینه، مقدماتی را مهیا می‌نمود که شاهان صفویه را وادار می‌کرد تا با اعزام سفرا و نامه‌های دوستانه شرایطی را برای ایجاد التیام بین طرفین فراهم نمایند (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۲/۱۴۳۰).

در کنار اهداف سیاسی برخی مقاصد اقتصادی و تجاری نیز بخشی از برنامه‌های سفارت‌ها را شامل می‌شد. به لحاظ مناسبات اقتصادی که بین صفویان و حکومت‌های همجوار و یا با فواصل بیشتر وجود داشت استفاده از موقعیت‌های تجاری و لزوم تسهیل در کارهای مبادلات تجاری به عنوان یک اصل در دستور کار برخی از این‌گونه سفارت‌ها قرار داشت. به لحاظ آن که یکی از مسیرهای اصلی تجارت ایران به سوی غرب از خاک عثمانی‌ها عبور می‌کرد می‌توان ادعان داشت که در مواقع متعددی در زمره دستورالعمل‌های سفرای اعزامی، ترغیب طرف‌های ترک به تسهیل در شرایط تجاری مورد تأکید بود (اسپناقچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ۲۴۳). در این میان مواردی نیز به چشم می‌خورد که برخی از سفرا مأموریت بازاریابی و یا حتی فروش برخی کالاها خاص را نیز برعهده داشتند. فرستادگانی که به هند و یا موارد معدودی که به اروپا اعزام شدند در زمره اهداف آن‌ها دستیابی به این مقصود لحاظ شده بود (نوایی، ۱۳۶۶: ۳/۲۷۹، ۴۰۳).

اهداف نظامی را نیز بایستی جزء دیگری از برنامه‌های برخی از سفارت‌ها تلقی نمود. کار این گروه از فرستادگان با دشواری بیشتری همراه بود؛ به دلیل آن که مخاطرات جدی‌تری آن‌ها را تهدید می‌کرد؛ کما اینکه فرستاده شاه اسماعیل به نزد سلطان سلیم به زندان افتاد (اسپناقچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ۲۴۱) یا سفیر سلطان محمد خدابنده به عثمانی که به مدت هفت سال در عثمانی اسیر بود (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۹۳). برخی از آن‌ها بایستی نامه‌ها و یا پیام‌های تهدیدآمیز را به طرف مقابل انتقال دهند (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۹). این‌گونه از

سفارت‌ها به دلیل آن که بخش قابل توجهی از دوران حکومت صفویان در جدال و نزاع با عثمانی‌ها و ازبکان سپری شد از فراوانی بیشتری برخوردار بود و موارد قابل توجهی نیز از متن نامه‌هایی بر جای مانده است که محتوای آن‌ها چیزی جز رساندن پیام‌های تهدید کننده نبوده است. رساندن پیام‌های پیروزی بخش به عنوان یک اصل، جزء دیگری از اهداف سفرا بود (نوایی، ۱۳۴۷: ۹۵). در مواردی که شاهان صفوی در جدال‌های عمده توفیقی پیدا می‌کردند به منظور غلبه بر فضای روانی داخلی و حتی برون مرزی با صدور فتح‌نامه‌هایی عملکرد نظامی خود را تشریح نموده و از طریق سفرا آن را به گوش دیگران می‌رساندند (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۴۸/۱؛ اسپناچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ۶۱).

از این نکته نیز نایستی غفلت نمود که در زمره یکی از اهداف مهم سفارت‌ها کسب اطلاعات و اخبار از محل مأموریت، ویژگی‌های حکومتی و حتی مسائل جغرافیایی و توان نظامی آن کشور بود. این اطلاعات علی‌الخصوص در عرصه‌ی نظامی بسیار حائز اهمیت و مورد تأکید بود. از آن جمله به مأموریت چلبی بیگ قورچی قاجار به عثمانی می‌توان اشاره نمود که در سال ۱۰۳۱ قمری به دستور شاه عباس به منظور کسب خبر از اوضاع داخلی عثمانی عازم این کشور شد (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۶۲۹/۳).

۷-۴. نظارت بر کار سفیر

هر چند سفیر خود نماینده‌ی شاه در کشور بیگانه تلقی می‌شد و اعمال و رفتار او به طور کامل می‌بایست منطبق بر آمال داخلی کشور متبوع و در عین حال مطابق با تمایلات و سلیقه شخص شاه باشد. با این حال، به نظر می‌رسد برخی از شاهان صفوی جنبه احتیاط را از دست نمی‌دادند و به منظور نظارت و کنترل بیشتر بر اعمال و رفتار سفیر و احیاناً به دست آوردن هرگونه اطلاعات از اعمال و رفتاری که خارج از دستورالعمل‌های مرسوم باشد، گزارشگران یا گماشتگانی در این خصوص با سفارت همراه می‌نمودند که وظیفه‌ی او گزارش دقیق اعمال سفیر و یا سایر اعضای هیأت سفارتی بود (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۶۵). در حقیقت این فرد که ممکن بود به صورت کاملاً نامشخص و تحت پوشش وظایف سفارتی این گروه را همراهی نماید، می‌توانست اطلاعات جزئی را از روند عملکرد اعضای گروه ارائه کند تا در نهایت شاه مبتنی بر این گزارش‌ها، فرستادگان را در معرض بازخواست یا تنبیه

قرار دهد و یا آن که به پاس خدماتی که انجام می‌دادند هدایا و مناصبی را برایشان در نظر می‌گرفت (فلسفی، ۱۳۴۵: ۱۷۸/۳).

۸-۴. پاداش و مجازات سفیر

عملکرد و رفتار فرستادگان به صورت طبیعی در معرض ارزیابی و بررسی قرار می‌گرفت. حاصل رفتار و کارکرد سفرا بعضاً پیش از بازگشت خود آن‌ها به گوش شاه می‌رسید و با توجه به دستاوردی که سفارتشان به بار آورده بود باید انتظار مجازات یا پاداش را می‌کشیدند. موارد قابل توجهی از سفارت‌های اعزامی این دوره وجود دارد که به لحاظ تخطی و تخلف از چارچوب‌های از پیش تعیین شده و ناکام ماندن سفیر از اجرای دقیق دستورات سلطنتی عواقب دشواری گریبانگیر آن‌ها را می‌گرفت. در سال ۱۰۱۰ هجری پیر قلی بیگ کوزی بویکلو که به سفارت نزد پادشاه روس رفته بود چون قبل از بازگشت او بعضی سخنان از زبان او نقل کرده بودند که پادشاه را خوش نیامده بود بعد از تحقیق چشم او را کردند و زبانش را بریدند (منجم، ۱۳۶۶: ۲۱۲). همچنین در خصوص فرستاده شاه عباس به اروپا که نتایج خفت‌باری را در پی داشت، باعث شد تا بلافاصله بعد از ورود، بدون آن که مجال دفاعی به او داده شود سلاخی گردد (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۴۲۳/۲). نمونه‌های دیگری در تاریخ دوره صفویه به چشم می‌خورد که فرستادگان به دلیل عدم توفیق در مأموریت و یا به لحاظ آن که از وظایف محوله تخطی کرده و بر اساس تمایلات شخصی کارهایی را انجام داده‌اند، نگران از عواقبی که در بازگشت انتظارشان را می‌کشید در طول مسیر و قبل از ورود، دست به خودکشی می‌زدند (هربرت، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

در کنار مجازات‌های خشنی که به عنوان عواقب کار نصیب برخی فرستادگان می‌شد، گزارش منابع نشان می‌دهد که برخی از سفرا به لحاظ اعمال مثبتی که در طول مأموریت خود انجام داده بودند و یا توفیقی که در این راه برای کشورشان حاصل شده بود رضایت و خشنودی شخص شاه را جلب نموده و پاداش قابل قبولی نصیب آن‌ها می‌گردید. در زمان شاه صفی به سال ۱۰۴۹ هجری محمد قلی بیگ جغتای که از سفارت عثمانی بازگشته بود به پایه بلند و رتبه ارجمند ایالت ایروان منصوب شد (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۰۳). محمد علی بیگ اصفهانی گرگ یراق که به ایلچی‌گری هند رفته بود پس از بازگشت مشمول عنایات

شاهی شد (حسینی تفرشی، ۱۳۸۸: ۸۳). یادگار علی سلطان پس از بازگشت از سفارت هند در زمان شاه عباس اول به منصب ارجمند خلفایی سربلند گردید (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۵۴۸/۳). زینل بیگ پس از بازگشت از هند خدمات سفارت او مورد قبول شاه قرار گرفت و پایه قدر و منزلتش ارتفاع یافت (همان: ۱۶۴۹/۳). بوداق سلطان سفیر شاه عباس دوم، نزد اورنگ زیب والی هندوستان پس از بازگشت اسم اشرف به اسم او اضافه و به پاس خدمات خود به مرتبه تفنگچی آقاسی گری ممتاز شد و به حکومت الکای ابرقوه رسید (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۳۱). معصوم بیگ صفوی پس از بازگشت از مازندران به جهت رام کردن والی آنجا به نوازشات شاهانه مفتخر گردید (شاملو، ۱۳۷۱: ۸۵). در مواقعی برخی از سفرا که مأموریت‌های خطیری را عهده‌دار می‌شدند شاه دستور می‌داد تا القاب و عناوینی خاص برایشان لحاظ شود تا از این طریق توجه خود را به آن‌ها ابراز دارد، چنانکه شاه عباس خواجه محمدرضا وزیر آذربایجان را برای مأموریت گرجستان در نظر گرفت و از آنجا که رفتن به این مأموریت خطرات بسیاری برای وی در پی داشت، شاه او را به خطاب «فدوی گرامی» مخاطب نمود و دستور داد تا در احکام و مناشیر بعد از آن لقب خواجه فدوی دودمان ولایت مکان را برای او اضافه کنند (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۴۴۴/۲).

۹-۴. گزارش سفارت

سفیر وظیفه داشت شرح دقیق و نتیجه مأموریت و مشروح مذاکرات سیاسی خود را پس از برگشت به شاه گزارش دهد. به این جهت، سفیر از میان منشیان مورد اعتماد، یک نفر را انتخاب می‌کرد و به او مأموریت می‌داد که شرح وقایع این سفر را با دقت تمام و کمال بنویسد (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۶۵). منشیان معمولاً افرادی خوش ذوق و با قریحه بودند آن‌ها تنها به وقایع خشک سیاسی بسنده نمی‌کردند؛ بلکه هر چیز جالب توجه را ثبت و ضمیمه سفرنامه‌شان می‌کردند (شهری برآبادی، ۱۳۶۹: ۱۱۹). بدین سان کتابی که ظاهراً وظیفه ثبت وقایع و مذاکرات سیاسی را داشت به کمک ذوق و استعداد نویسنده از جنبه سیاسی صرف درآمده و به مجموعه‌ای خواندنی تبدیل می‌شد (همان: ۱۲۰)؛ چون منشی همیشه همراه سفیر بود در سفرنامه‌ها از آداب و رسوم دربار و تشریفات رایج در آن روزگار و موضوعاتی از این گونه درج گردیده است.

نخستین سفرنامه جالب توجه به اروپا که از آغاز دوره صفوی به جا مانده، سفرنامه معروف به دون خوان ایرانی یا «خاطرات سفر اروچ بیگ»، یکی از دبیران حسین علی بیگ بیات، نخستین سفیر شاه عباس اول است که به اروپا رفت و در آنجا مسیحی شد در این سفر بود که او یادداشت‌هایی را فراهم آورد تا در بازگشت به شاه عباس اول اعلام دارد؛ ولی به دلیل گرویدن به مسیحیت بازگشت او غیر ممکن شد و یادداشت‌ها را به یاری کشیشی رمون نام به زبان کاستیلی درآورد و همین نوشته‌ها بعدها با عنوان «سفرنامه دون خوان ایرانی» به زبان انگلیسی در آمده است. به طور کلی این سفرنامه برای توضیح این نکته نوشته شده که چگونه نویسنده پس از آن که عمری را در دیار شرک و کفر بوده است به نور ایمان راه یافته و مسیحی شده است. نکته قابل تأمل در این سفرنامه این است که برخلاف سفرنامه‌های اروپاییان به ایران، توجهی به نظام‌ها و نهادهای حکومتی ندارد و تنها نوآوری‌های فنی، مایه اعجاب او شده است (طباطبائی، ۱۳۷۷: ۵۸).

۵. موانع و چالش‌های فراروی سفرا

انجام مأموریت‌های مرتبط با سفارت در اکثر مواقع با موانع و مخاطرات جدی مواجه می‌شد. عناصر مختلفی سفیر و همراهان او را در معرض تهدید قرار داده یا برنامه‌های آن‌ها را با مشکل مواجه می‌ساخت. این موانع در دو قالب قابل ارزیابی هستند. بخشی از آن‌ها موانع طبیعی و عوامل جغرافیایی بودند. فاصله با محل انجام مأموریت و موانع طبیعی طول مسیر در مواقعی کار سفارت را با اختلال جدی مواجه می‌کرد. گرفتار آمدن در امواج دریا و غرق شدن کشتی و یا بروز یخ و سرما در فصول سرد سال بعضاً شرایط سختی را برای عزیمت هیأت فراهم می‌کرد. برای مثال حاج خسرو سفیر شاه عباس به روسیه و هیأت همراه به دلیل یخ بستن دریای خزر در یخ مانده‌اند (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۵۲) و حاج خسرو سفیر ایران به روسیه، در حال بازگشت دچار طوفان شدیدی گشته و کشتی او دچار سانحه می‌شود به طوری که اثری از او به دست نمی‌آید (همان: ۳۵۶). در سفارت چهارم هادی بیگ به روسیه او اظهار داشت که به دلیل طوفانی بودن دریا هدایای شاه عباس برای قیصر را به دریا ریخته است (همان: ۳۶۰).



اما در کنار گذر از مخاطرات طبیعی عوامل جدی دیگری نیز وجود داشت که روند مأموریت را با چالش‌های جدی مواجه می‌کرد. در برخی مواقع به دلیل تغییر شرایط معمولاً در کشور میزبان پذیرایی مطلوبی از سفیر به عمل نمی‌آمد و حتی شاه نیز به هر دلیل ممکن از پذیرش سفیر طفره می‌رفت «قاسم بیگ سپهسالار مازندران که به جهت صلح به روم رفته بود اما سلطان احمد خان از عناد و استکبار از صلح پشیمان گشته درباره او تعافل ورزید و اجازه ملاقات نداده بود» (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۱۵۲۸/۳). مواردی نیز به چشم می‌خورد که درباریان به انحاء مختلف در مسیر برنامه‌های سفیر سنگ‌اندازی کرده و با مانع-تراشی ناکامی مأموریت سفیر را رقم می‌زدند «میر شمس‌الدین را به ایلچی‌گری مقرر کردیم پس از آن که به استانبول رفته بود رستم پاشا و جمعی از سوختگان حرف‌های ناخوش در میان آورده و نگذاشته بودند کاری به خیر شود» (طهماسب صفوی، ۱۳۶۳: ۶۶). عدم اجازه بازگشت به سفرای اعزامی، یکی دیگر از مشکلات اساسی در عرصه سفارت بود. به نظر می‌رسد این شیوه در دوره صفویه رایج بوده است، مشخص نیست که دلایل اصلی بروز این رفتار چه بوده است. اما بر اساس قرائن و شواهد، می‌توان دریافت که ناخرسندی از رفتار سفیر و یا برخی از اعمالی که از طرف کشور متبوع سفیر رخ می‌داد در این فرایند تأثیر داشته است. البته در برخی موارد حضور شاه در عرصه‌های جنگی تا مدت‌ها ممکن بود باعث بلاتکلیفی سفیر شود و یا حتی برای ملاقات با سلطان از جایی به جای دیگر عزیمت کند. در این دوره زمانی مواردی به چشم می‌خورد که مدت نزدیک به ۷ سال سفیر را نگاه می‌داشتند، از آن جمله آمدن یادگار سلطان از هند پس از هفت سال (اسکندر بیگ منشی، ۱۳۷۷: ۶۷۱/۲) و یا میرزا علی بیگ، سفیر شاه عباس اول، به دربار اکبر که پس از ۴ سال به ایران آمد. همچنین اکبر فرمانروای هند ۴ سال منوچهر بیگ سفیر شاه عباس را در هند نگاه داشت (نوابی، ۱۳۶۶: ۳۰۲).

بر اساس آن چه که در میان کشورهای آن روزگار مورد توافق قرار گرفته بود کشته شدن سفیر توسط کشور میزبان رفتاری دور از شأن سیاسی به شمار می‌رفت؛ ولی کشورهای بودند که در حوزه مناسبات خارجی با ایران به ویژه در مواقع جنگ این اصل را نادیده می‌گرفتند؛ از جمله این کشورها ازبک‌ها و عثمانی بودند. یکی از این موارد را اسکندر بیگ منشی چنین آورده است: «پیر بوداق سلطان به همراه ابوطالب بیگ اردوبادی به نزد

عبدالله خان رفته تا تمهید صلح کنند ولی در نهایت آنها را در دهانه توپ قرار داده و به طرف قلعه انداختند» (۱۳۷۷: ۶۰۳/۲).

گاهی محرز نشدن واقعیت پیام و نامه برای کشور میزبان، سفیر را به کام مرگ می‌کشاند. البته این مورد بسیار کم پیش می‌آید: «قطب‌الدین آقا را به بهانه آن که مکتوب شاهی که همراه آورده صادق نیست در اردوی عبدالمومن خان کشته شد» (همان: ۸۰۳). و یا فرستاده شاه عباس اول به نزد عبدالمومن خان به دلیل آن که نامه همراه او را از جانب شاه عباس اول ندانستند و گفتند فرهاد خان از روی تزویر نوشته، مقتول ساختند (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

به نظر می‌رسد فرستادگانی که حامل پیام‌های جنگ‌طلبی سران کشورهای متبوع خود بودند باید تا حد بسیار زیادی شجاع و ترس نباشند؛ چون احتمال برگشت یا زنده ماندن آنها بسیار بعید بود. البته دربار صفوی از آن چه که در منابع دیده می‌شود تنها یک مورد از قتل سفیر گزارش شده است و آن هم به دلیل سوء قصدی بود که فرستاده ازبک به جان شاه عباس نمود (افوخته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۵۶۵ - ۵۶۴)؛ در مقابل کشورهای ازبک و عثمانی با سفرا رفتار زنده‌ای داشتند. برای مثال: «خلیل آقای صوفی ارملو همراه با سر پر از کاه شاهی بیگ و پیغام تهدید آمیز شاه اسماعیل اول نزد سلطان سلیم رفت که باعث خشم سلطان و نزاع ایلچی و بزرگان شد که ایلچی را پاره پاره کردند» (عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۳۳۳-۳۳۰). پس از جنگ چالدران نیز که شاه اسماعیل سفرایی را برای اعاده حرم خود به نزد سلیم فرستاد. سلطان عثمانی دست‌ور داد فرستادگان شاه اسماعیل را زندانی کنند (پورگشتال، ۱۳۸۷: ۸۵۰/۲).

۶. پایش فراوانی فرستادگان به نقاط مختلف

اگرچه دریافت آمار و ارقام مستقیم در خصوص تعداد فرستادگان و نمایندگان اعزامی از دربار صفویان به نقاط مختلف در قالب و چارچوب سفارتی امری ناممکن به نظر می‌رسد و منابع نیز داده‌های مستقیمی در این زمینه ارائه ننموده‌اند؛ با این حال، در خوانش برخی از منابع اصلی و عمده‌ی این دوره می‌توان به صورت نسبی و با شمارش مبتنی بر متن خوانی به آمار و ارقامی در این خصوص دست یافت. مبتنی بر همین شیوه، اسامی و تعداد

فرستادگان به نقاط مختلف بازیابی شد و بر اساس سالشمار سلطنت شاهان صفویه در جداول زیر دسته‌بندی و منظم گردید. هر چند نمی‌توان برای همه اسامی سالشمار دقیقی را مشخص نمود؛ اما مبتنی بر قراین و شواهد محدوده زمانی عزیمت و نوع مأموریت در این جدول مورد اشاره قرار گرفت.

جدول فراوانی تعداد فرستادگان به نقاط مختلف بر اساس نام شاه و کشور مربوطه

نام مملکت / نام پادشاه	عثمانی	ازبک	اروپا	هند و دکن	جمع کل
شاه اسماعیل	۶	۳	۳	۱	۱۳
شاه طهماسب	۱۲	۱	۰	۹	۲۲
خدابنده	۱	۰	۰	۲	۳
شاه عباس اول	۲۱	۵	۲۸	۲۲	۷۶
شاه صفی	۷	۱	۱	۳	۱۲
شاه عباس دوم	۳	۷	۰	۵	۱۵
شاه سلیمان	۰	۰	۰	۰	۰
شاه حسین	۱	۰	۵	۲	۸
جمع کل	۵۱	۱۷	۳۷	۴۴	۱۴۹

آن چه از مجموع این آمار و ارقام قابل حصول و ارزیابی می‌باشد، دریافت فراوانی فرستادگان در مقاطعی خاص و یا افزونی تعداد آن‌ها به قلمروی مشخص است. فراوانی اعداد و ارقام به دست آمده به خوبی نشان می‌دهد که در بین مناطق هدف، عثمانی حداقل تا پایان دوره شاه صفی پذیرایی بیشترین تعداد فرستادگان بوده است (ر.ک: نمودار ۳). از طرف دیگر نوع مأموریت آن‌ها نشان می‌دهد اهداف تهدیدی یا ارسال پیام‌های صلح‌طلبانه مبنای اصلی تعداد قابل توجهی از این مأموریت‌ها بوده است. داده‌ها به خوبی این رویکرد را بروز می‌دهد که برنامه‌های تجاری در برنامه‌های هیأت‌های اعزامی چندان جایگاهی نداشته است. تقلیل چالش‌های نظامی در دوران پس از معاهده صلح ذهاب گواه این نکته است که صفویان به رقم فروکش کردن عرصه‌های خصمانه، تلاش‌های جدی برای جایگزینی

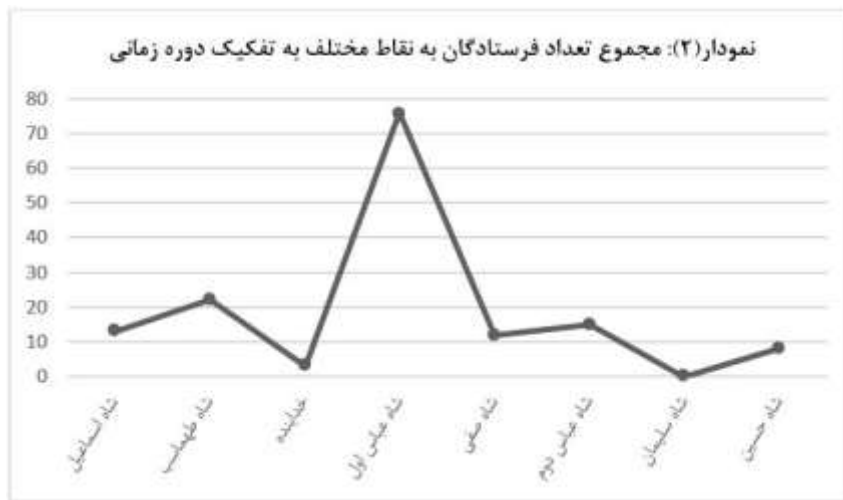
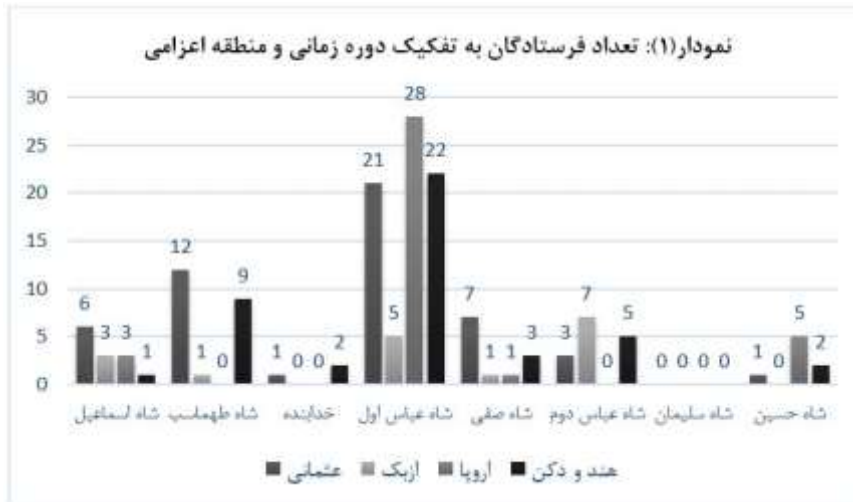
مناسبات سیاسی و تجاری به عمل نیاورده‌اند. علاوه بر عثمانی‌ها، ازبکان نیز در مقاطع متفاوت از فرستادگان صفوی پذیرایی کرده‌اند که شاخصه‌ی عمده‌ی این مأموریت‌ها صبغه نظامی داشته است. تعداد مأموران اعزامی به هند نیز از لحاظ عددی حائز رتبه بالایی است؛ اما در مقایسه با عثمانی‌ها و ازبکان موضوع بیشتر این مأموریت‌ها دوستانه و در راستای تقویت مناسبات بوده است. اما کشورهای اروپایی نیز نه به طور گسترده، بلکه به شکل پراکنده در معرض بازدید و در زمره برنامه‌های ارتباطی صفویان بوده‌اند. مضمون عمده این پیوندها جلب توجه اروپاییان برای هم‌پیمانی علیه عثمانی‌ها و در عین حال ابراز تمایل برای ایجاد ارتباط‌های تجاری بوده است. اما در یک چشم‌انداز کلی و مبتنی بر الگوی نموداری می‌توان به خوبی دریافت که دوره شاه عباس درخصوص پویایی عرصه سیاسی حائز بالاترین رتبه و دوره‌های پایانی صفویه، در پایین‌ترین موقعیت قرار دارد. سکون و به بیان دیگر بی‌توجهی شاهان پایانی صفوی را می‌توان به خوبی از نمودارهای ۲ و ۱ دریافت. به دلیل فروکش کردن عرصه برخوردها با عثمانی‌ها و ازبکان کوشندگی خاصی برای ارتقا مناسبات سیاسی و تجاری به چشم نمی‌خورد اگر تعداد اعزام سفرا و فرستادگان نقطه معیار تلقی شود، می‌توان گفت در ربع پایانی دوره صفویه تقریباً تکاپویی در این خصوص وجود ندارد حتی در عرصه پیوند با اروپاییان نیز چشم‌انداز همچنان نومید‌کننده است.

۷. نتیجه

دوره صفوی به لحاظ شاخصه‌های حکومتی از چارچوب و بنیادی نسبتاً مستحکم و اصیلی برخوردار بود. ساختاربندی اداری عرصه‌های داخلی و همچنین الگوبندی در خصوص تعیین مناسبات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از یک بستر مناسبی بهره می‌برد. ثبات و تداوم حکومت صفوی تا حد زیادی وابسته به همین چارچوب‌های مشخص و قابل اتکا بود. در کنار الگوهای بارز دیوانسالاری جهت ساماندهی امور داخلی قلمرو صفویان در خصوص برقراری مناسبات خارجی نیز به نظر می‌رسد آن‌ها تلاش‌های قابل توجهی را برای ایجاد سازوکارهای لازم تدارک دیده بودند. وجود عرصه‌های مناسباتی نزدیک با همسایگان که در قالب‌های صلح‌آمیز و یا در موارد متعدد در اشکال خصمانه بروز و تجلی داشت صفویان را ناگزیر می‌کرد که برای پیشبرد مقاصد سیاسی و نظامیشان در هر دو موقعیت پیش‌گفته

دیپلماسی پویا و سازنده‌ای را دنبال نمایند. علاوه بر این، آن‌ها علاقمند بودند که با مناطق دوردست نیز پیوندهایی را برقرار کرده و به نوعی از فرصت‌های موجود در عرصه‌های جهانی برای وصول به مقاصد مورد نظر خویش نهایت استفاده را داشته باشند. مبتنی بر همین شرایط، بایستی گفت تقریباً در بیشتر دوران حکومتی صفویان آن‌ها تکاپوهای دامنه‌داری را به منظور ایجاد و تداوم سازوکارهای اداری متناسب با عرصه‌های مناسباتی فراهم نمودند. گرچه به وضوح اشارت مستقیمی به حوزه اداری خارجی در این ایام نشده است؛ اما داده‌های منابع و توصیفات و تحلیل‌های ارایه شده در این نوشتار به خوبی نشان داد که تنظیم الگوهای اجرایی در عرصه‌های مناسباتی فارغ از دغدغه‌های انتظام پذیر نبوده است. تعدد فرستادگان سیاسی و فراوانی مکاتبات بر جای مانده از این دوره نشان می‌دهد که صفویان کوشیده‌اند در پیشبرد برنامه‌های خود از تمامی ظرفیت‌های دیپلماتیک و سیاسی استفاده کنند. داده‌های این نوشتار به خوبی نشان می‌دهد که در کدامیک از دوره‌های سلطنتی شاهان صفوی تمرکز و دقت مطلوبی به فراوانی اعزام سفرا شده است. علاوه بر این در تمامی این دوره در ابعاد مختلف به ویژگی‌های فرستادگان توجه کافی وجود داشته است. داده‌ها به وضوح آشکار می‌سازند که شکل و ظاهر فرستاده در کنار زبان‌آوری و هوشمندی، از ارکان عمده انتخاب سفیر محسوب می‌شد. علاوه بر این، پوشش و وسایل همراه سفیر نیز از اهمیتی ویژه برخوردار بود. پایگاه و شأن اجتماعی فرستادگان نیز متناسب با نوع مأموریت و کشور مورد نظر متفاوت بود. در عین این که مأموریت‌های نظامی و یا صلح‌آمیز تأثیر به‌سزایی در گزینش سفرا داشت نظارت و ارزیابی دقیقی از عملکرد فرستادگان به هیچ وجه مورد غفلت قرار نمی‌گرفت. به همین دلیل عنصر تشویق و تنبیه در بالاترین ابعاد آن در خصوص سفرای اعزامی شکل عملیاتی به خود می‌گرفت. در هر صورت، به نظر می‌رسد به لحاظ اهمیت برقراری مناسبات در این دوره مسأله سفارت و امور مرتبط با آن از اهمیت بالایی در دستگاه سیاسی صفویان برخوردار بوده است.

پیوست‌ها





منابع

- اسپناچی پاشازاده، محمد عارف (۱۳۷۹)، *انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام*، تصحیح رسول جعفریان، قم، دلیل.
- اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷)، *عالم آرای عباسی*، تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- افوشته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۵۰)، *نقاوه‌الآثار*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پورگشتال، هامر (۱۳۶۷)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، به‌کوشش جمشید کیانفر، ترجمه میرزازکی علی‌آبادی، تهران، زرین.
- حسام معزی، نجفقلی (۱۳۶۶)، *تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا*، تهران، نشر علم.
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی (۱۳۶۴)، *تاریخ سلطانی از تسبیح صفی تا شاه صفی*، تهران، انتشارات علمی.
- حسینی تفرشی، محمد حسین (۱۳۸۸)، *تاریخ شاه صفی*، به‌کوشش محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب.
- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین (۱۳۶۳)، *خلاصه‌التواریخ*، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- حسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹)، *تاریخ ایلیچی نظامشاه*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ریاحی، محمد امین (۱۳۶۸)، *سفرنامه‌های ایران*، تهران، انتشارات توس.
- سیوری، راجر (۱۳۸۵)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲)، *سفرنامه شاردن*، ج ۲، ۵، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
- شاملو، ولی قلی بیگ (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شهری برآبادی، محمد (بهار ۱۳۶۹)، گشت و گذاری در سفرنامه‌های سیاسی؛ *نشریه علوم انسانی، مشکوه*، شماره ۲۶، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- طباطبائی، جواد (زمستان ۱۳۷۷)، تأملی در سفارت و سفرنامه‌های ایرانیان؛ *نشریه علوم انسانی، ایران نامه*، شماره ۶۵، صص ۸۸-۵۵.
- طهماسب صفوی (۱۳۶۳)، *تذکره شاه طهماسب*، تهران، انتشارات شرق.
- فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۵۸)، *تاریخ مبارک غازی*، تصحیح کارل یان، هرتفرد-

- انگلیس، استفن اوستین.
- فلسفی، صرالله (۱۳۴۵)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فلور، ویلم (پائیز و زمستان ۱۳۸۴)، *تاریخچه وزارت امور خارجه ایران*؛ ترجمه جواد کریمی، *نشریه علوم سیاسی، تاریخ روابط خارجی*، شماره ۲۵-۲۴، صص ۱۰۳-۸۹.
- _____ (۱۳۵۶)، *اولین سفرای ایران و هلند*، به کوشش داریوش مجلسی، حسین ابوترابیان، تهران، کتابخانه طهوری.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۵۰)، *در دربار شاهنشاه ایران «سفرنامه کمپفر»*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انجمن آثار ملی.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- منجم، ملاجلال الدین (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، تهران، انتشارات وحید.
- منشی قزوینی، وداق (۱۳۷۸)، *جواهرالخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- مولف گمنام (۱۳۵۷)، *سفرنامه برادران شرلی در زمان شاه عباس کبیر*، ترجمه آوانس، [بی جا]: انتشارات کتابخانه منوچهری.
- _____ (۱۳۶۳)، *عالم آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، تهران: اطلاعات.
- میرخواند (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفاء*، ج ۱۲، تهران: اساطیر.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸)، *تذکره الملوک*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، امیر کبیر.
- نخجوانی، محمدبن هندوشاه (۱۹۷۶)، *تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده*، مسکو، فرهنگستان علوم آذربایجان.
- نصیری، محمد ابراهیم (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران*، تصحیح محمد نادر نصیری مقدم، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۴۷)، *شاه اسمعیل صفوی «اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی»*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۵۰)، *شاه طهماسب صفوی «مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی»*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۶۶)، *شاه عباس «مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با*

یادداشت‌های تفصیلی، تهران، زرین.

- _____ (۱۳۷۰)، ایران و جهان، تهران، هما.
- واله اصفهانی، محمد (۱۳۷۲)، خلد برین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، موقوفات افشار.
- واله قزوینی، محمد یوسف (۱۳۸۰)، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (۱۰۷۱-۱۰۳۸) حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم خلد برین، تهران، انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۸۳)، جهان آرای عباسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هربرت، موریس (۱۳۸۰/۱۳۶۳)، محمدرضا بیک سفیر ایران در دربار لونی چهاردهم، به کوشش همایون شهیدی، تهران، گزارش فرهنگ و تاریخ.